



در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۸ رفتار آسیب رسان به دندان ها که تا حالا نمی دانستید

ترفندهای تضمینی سحر خیزی

بهبود حافظه، خلق و خوی بهتر، افزایش سلامت روان، انرژی بیشتر و... از مزایای زودبیدار شدن است؛ اما چگونه آدم سحر خیزی شویم؟

رابطه تکان دهنده استفاده از شبکه های اجتماعی و کشیدن سیگار

خاطره بازی | به یاد زیارت های ناب روز های کودکی

که روی آن نوشته بود «در چشم باد» کار من نیست و همان جا گفتم که من مهر نگینی نمی سازم و کارم مهر برنجی است. همه مهرها به جز آن یکی کار من است. «از او در باره واکنش مردم بعد از دیدن ویدئو می پرسم که می گوید: «خوشایند حال شان بود. آن ها همه دوستانی که آن جا بودند از این که من به این شکل یک دفعه شناخته و دیده شدم و از این که چنین پیشرفتی حاصل شد، خوشحال بودند. من بعد از آن ویدئو هنوز نتوانستم بروم بازار و مشغول آماده کردن سفار ش ها هستم و بعد هم تا خدا چه بخواهد. اگر پاها و چشم هایم اجازه بدهند و عمری باشد.»



شاید خیلی ها عباس احمایی را با ویدئویی که از او در بازار تهران فراگیر شده است، شناخته باشند اما او سال ها پیش هنرش را در تیتراژ سریال «در چشم باد» که اتفاقاً بازپخش آن به تازگی از شبکه آی فیلم تمام شده و عنوان سریال «زیر تیغ» به نمایش گذاشته است. او که برای سریال در چشم باد ۱۴ مهر برنجی ساخته است، در این باره می گوید: «یک روز چند نفر آمدند سراغم. کم و بیش من را می شناختند و از کارم تست گرفتند. بعد هم مهرهایی را که می خواستند، برایشان ساختم. این مهرها برای سریال تاریخی در چشم باد بود. برای سریال زیر تیغ هم مهر ساختم. البته آن مهر



فعلا در منزل مهر می سازم

کار می برند. البته به کار هم بستگی دارد. یک دفعه می بینی ساخت یک مهر تا خود شب گیر می کنی و بعضی روز هانمی شود بیشتر از ۱۰ مهر ساخت. امکان دارد داشتباه هم بشود. یک بار برای مشتری مهر می ساختم. خیلی زیاد در طراحی دقت کردم و کار بسیار زیبایی شد اما در آخر دیدم اسم را از سمت راست نوشته ام. خیلی هم کار زیبایی شده بود و مشتری آن را دوست داشت ولی مجدداً آن را از چپ نوشتم و به مشتری تحویل دادم. «این ها توضیحات این هنرمند مهر ساز در باره حرفه چندین و چند ساله اش است.

«چند روزی است در خانه کار می کنم اما در کل برای کار، بیرون راحت ترم. در خانه حس باز نشسته ها را دارم. یک روز در بازار یک آقای هنرمند به نام امیر خان آمد و یک ویدئو از کار من تهیه کرد. یک صفحه در اینستاگرام برای کار هایم ساخت و برای سفارش گرفتن داد دستمان. من بلد نبودم الان دخترم صفحه را مدیریت می کند. من هم داخل منزل به سفارش ها می رسم و حکاکی می کنم. بعد از آن ویدئو مردم بیشتر از کارم شناخت پیدا کردند و الان دارم فقط سفارش مشتری ها را می سازم. مهر ها خیلی کوچک هستند اما

آرزوی زیارت دوباره امام رضا (ع) را دارم

در بین صحبت هایمان وقتی آقای احمایی فهمید از مشهد با او تماس می گیریم، از ما خواست نایب الزیاده را و در حرم امام رضا (ع) هم باشیم. همین شد که از او در باره آخرین باری که به مشهد آمده است، پرسیدم و او روایتی را تعریف کرد که شنیدنی است: «من یک بار مشهد آمدم آن هم ۲۵ سال پیش. مادرم را بر دم حرم امام رضا (ع) و شفایشان را گرفتیم. مادرم سکنه کرده بود و شنیده بودیم کسانی که زیارت اول شان است دعایشان مستجاب می شود. این شد که با خانواده، مادرم را که روی ویلچر بود به زیارت بردیم. در همان جایی که ساکن بودیم مادرم خوابی دیده بود و برایم تعریف کرد. در خواب به او گفته بودند «بلند شو! تو که هیچی نیست...» من هم بعد از این که مادرم خوابش را تعریف کرد گفتم بلند شو اما من! قشنگ روی پاهایش راه رفت و بعد هم روی ویلچر نشست. بعد هم خوب شد، یعنی اعجاز نصیبش شد. دستش کار کرد و صورتش هم دیگر مثل قبل نبود. امیدوارم دوباره بتوانم به مشهد برای زیارت امام رضا (ع) بیایم. تایار که را خواهد و میلش به که باشد...»



شنیده بودم زیارت اولی ها دعایشان مستجاب می شود اما...

گفت و گو با هنرمندی که در بازار تهران بساط مهر سازی دارد، مهر سریال های «زیر تیغ» و «تیتراژ» در چشم باد را ساخته و یک خاطره فراموش نشدنی از سفر به مشهد با مادرش دارد

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

مهر و حکاکی در ایران یک کهنه هنر است و در طول تاریخ مهر نشانه اعتبار و صحت سند ها و نامه نگاری های تاریخی بوده. گفته می شود سابقه مهر در جغرافیای ایران بزرگ به حدود ۶ هزار سال می رسد و هر کدام از بزرگان و مقامات شهر و کشور نام و نشان خود را روی انگشتر شان حک می کردند تا همیشه و همه جا همراه شان باشد. رسم بود که مهر سازان بساط شان را کنار مسجد پهن می کردند تا برای مردم و بزرگان مهر بسازند. هنوز هم در کوچه پس کوچه های شهر مهر تراشانی هستند که به همان سبک و سیاق قدیمی با قلم روی مهرهای برنجی، نام و نشان آدم ها را حکاکی می کنند. عباس احمایی یکی از همین هنرمندان است که چراغ مهر سازی را در میان شلوغی بازار تهران زنده نگه داشته است. بساطش به قدر یک جعبه کوچک چوبی است و مهر سازی را از پدرش یاد گرفته. دختر و پسرش هم کم و بیش مهر سازی را بلدند. همه چیز برای آقای احمایی مثل همیشه بود تا آن روزی که زوج هنرمند اهل موسیقی به نام امیر و فاطیما نتوانستند ساده از کنار هنر مهر سازی و بساط ساده آقای احمایی بگذرند. یک ویدئوی کوتاه از مهر سازی او گرفتند، در صفحه ای که در فضای مجازی داشتند به اشتراک گذاشتند و اتفاقات خوب از همین جا شروع شد. چند دقیقه بعد از اشتراک گذاری، به طرز شگفت انگیزی هر دقیقه و هر لحظه به تعداد کسانی که این ویدئو را لایک می کردند و برای بقیه می فرستادند، اضافه می شد. طوری که الان رقم باز دید کننده های این ویدئو ۳/۵ میلیون نفر گذشته است. با آقای احمایی که مهر ساز تیتراژ سریال تاریخی و پر طرفدار در چشم باد و عنوان سریال زیر تیغ هم بوده است، گفت و گو کردم و از روزگارش پرسیدیم. خودش می گوید جلوی دوربین آمدن برای او سخت است و به نظر گفت و گوی تلفنی هم برایش همین حکم را داشت اما در نهایت توانستیم چند دقیقه ای با این هنرمند کهنه کار گفت و گو کنیم و پاسخ سوالات مان را در باره خودش و هنر مهر سازی او بگیریم.

هوا که تاریک می شد مجبور می شدم برگردم

کم حرف است. سنجیده و آرام حرف می زند و روز کاری اش را این طور برایم روایت می کند: «بعد از آن ویدئویی که از من گرفتند به خاطر انجام دادن سفار ش ها هنوز بازار نرفتم. روز هایی که بازار می رفتم ساعت ۱۰ صبح آن جا بودم. یک مشتری مهر برای امضای بانکی می خواست و یکی برای دسته چک. من هم مشغول می شدم و سفار ش شان را می ساختم. خلاصه هوا که تاریک می شد مجبور می شدم برگردم چون در تاریکی چشم ها یم نمی دید و نور چراغ ها هم به درد مهر سازی

کم حرف است. سنجیده و آرام حرف می زند و روز کاری اش را این طور برایم روایت می کند: «بعد از آن ویدئویی که از من گرفتند به خاطر انجام دادن سفار ش ها هنوز بازار نرفتم. روز هایی که بازار می رفتم ساعت ۱۰ صبح آن جا بودم. یک مشتری مهر برای امضای بانکی می خواست و یکی برای دسته چک. من هم مشغول می شدم و سفار ش شان را می ساختم. خلاصه هوا که تاریک می شد مجبور می شدم برگردم چون در تاریکی چشم ها یم نمی دید و نور چراغ ها هم به درد مهر سازی



نوشته روی مهرها را باید برعکس بنویسم

«در چشم باد رو به خاطر مهر های تیتراژ آغازین نگاه می کردم. واقعا دست خوش»، «ای وای! من امروز این مرد رو دیدم. چشمش چقدر مهر من بود. اصلا متوجه نشدم از کنار همچنین استادی رد شدم و افسوس که بی تفاوت گذر کردم.» «چقدر خوب می شد که تو یک شهر کتاب یا باغ کتاب به میز برای این مرد هنرمند بود تا مرا آجعه کنندگان تو اون زمانی که تو شهر کتاب دور می زنی مهر شون هم آماده می شد. اینو به مدیر شهر کتاب پیشنهاد می دم.» این ها بخشی از نظرات مردم بعد از دیدن ویدئوی هنر آقای احمایی است که می تواند در کمتر از ۲۰ دقیقه در دل شلوغی و رفت و آمدهای بازار تهران یک مهر برنجی اسم و فامیل دار را با همه ظرافت ریزه کاری هایش در بیاورد و بدهد دست مشتری. کارش که تمام می شود همان جا مهر را در یک دفترچه که پر از مهر و نشان مشتری های قبلی است، امتحان می کند، به او یاد می دهد چطور می شود بهتر مهر زد و بعد هم کار را با خیال راحت به صاحبش تحویل می دهد. از او در باره سختی های شغلش می پرسم و این طور پاسخ می دهد: «من روی مهرها باید نوشته ها را برعکس بنویسم تا روی کاغذ درست در بیاید. دیگر یاد گرفته ام چطور از چپ اسم ها را بنویسم. به هر حال از قدیم گفته اند کار نیکو کردن از پر کردن است و آدم در هر کاری زیاده تمرین کند فکر می کنم موفق می شود. برای مهر سازی هم باید در نظر گرفت گذشته از قدرت بدنی باید خطاطی، نقاشی، حکاکی روی فلز و تراشکاری هم یاد داشت. در اصل کار ماروی مهرهای برنجی تراشکاری است و ترکیب چند کار متفاوت است که مهر را به این شکل در می آورد. باز هم خوب و بدش را مشتری می تواند بگوید.»



خط خوش پدرم باعث می شد نامه ها برگشت نخورد

اگر نگاهی به مهرهای برنجی دست ساز بیندازید می بینید که هر کدام در نقش و نگار و خط، تفاوت هایی با هم دارند. همین تفاوت هاست که هر مهر را منحصر به فرد می کند؛ طوری که شاید یک مهر ساز نتواند یک مهر را دوبار مثل هم بسازد و جعل آن هم کار بسیار سختی است. آقای احمایی گریزی به خاطر آتش در کودکی و بساط مهر سازی پدر می زند که مهر هایش پروازه بوده است. او با اشاره به این که مهر سازی شغل خانوادگی شان بوده است، می گوید: «پدرم هم حکاک بود و هم عریضه نویس. کسانی که مشکلی داشتند یا اداره ای، جایی کار داشتند می آمدند تا پدرم هم برایشان عریضه بنویسد و هم مهر بسازد. وقتی مهر را می ساخت، می گذاشت در پاکت و می داد دست مشتری. او هم می توانست با آن مهر امضا بزند و هم در پاکت را با آن لاک و مهر کند. آن موقع ها در ادارات لاک و مهر مصرف داشت و الان هم کم و بیش دارد. البته پدرم مهر و عریضه ها را با خط خوش قدیمی می نوشت و خطش خیلی زیبا بود. من هم کم و بیش آن خط را بلد و لی پدرم خیلی خوب، شکسته می نوشت و نامه هایش هیچ برگشتی نداشت. یعنی به هر اداره ای می رسید سریعاً به آن نامه رسیدگی می شد هم به خاطر خط خوب و هم به خاطر انشایی که داشت. در خانواده ما به جز من، دو برادرم مهر سازند. یکی از آن ها فوت کرد و یکی هم در حال حاضر در مهر سازی کم و بیش به من کمک می کند.»